



معرفی دستگاه مفهومی برای فهم بحران در فعالیت‌های شرکتی و انجمنی

خواهد بود، حتی اگر سوابق آن‌ها تا تمدن عقل‌گرای یونان باستان امتداد داشته باشد:

در این نوشته‌ها، برخی از مخرب‌ترین رفتارهای شرکتی و انجمنی رایج در انواع مجامع تصمیم‌گیری در ایران امروز- فقط به عنوان نمونه - تشریح و آسیب‌شناسی می‌شود و در ادامه، قواعد عقلی این رفتارها، همراه با تبیین فلسفی آن‌ها، معرفی خواهد شد.

تلاش می‌شود تا در پی تشریح مفاهیم اولیه مربوط به رویه‌های عقلی خلق قوانین، تمایز بین «قانون» و «شبه‌قانون» تشریح شود تا علت بنیادین قانون‌سنجی در میان جوامع قانون‌سنج کشف و آشکار گردد.

در این نوشته‌ها، همچنین منابع لازم برای آشنایی بیشتر با این قواعد معرفی می‌شود تا مدیران شرکت‌ها و مسئولان انجمن‌ها بتوانند به سادگی از این منابع بهره‌مند شوند.

بخش پایانی این بسته نوشتاری نیز به تلاش‌هایی که طی یکی دو سال اخیر برای ترویج این قواعد در ایران صورت گرفته است خواهد پرداخت.

آشنایی با این قواعد و رعایت آن‌ها در تصمیم‌گیری گروهی، در نخستین سطح از معنای آن، یک امر مدیریتی است که کارآئی و اثربخشی را ارتقاء می‌دهد. اما به مرور که با این قواعد بیشتر آشنا شویم، درخواهیم یافت که بدون این قواعد، چطور سرتاسر روابط اجتماعی ما استبدادی و در نتیجه غیراخلاقی و غیرانسانی بوده است و تازه در این مرحله است که معنای تربیت را، و تفاوت عظیم آن را با تولید مثل، درک خواهیم کرد و درخواهیم یافت در مسیری حرکت می‌کنیم که ارزش رفتن دارد. . . *

کعاصکا در آستانه فصلی نو

کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران (کعاصکا) چهارده سال پیش و به ضرورت در شرایطی تأسیس شد که هنوز کانون‌های کارفرمایی استانی در بسیاری از استان‌های کشور شکل نگرفته بود. به همین خاطر، عناصر تشکیل‌دهنده کعاصکا، نه کانون‌ها، که انجمن‌های کارفرمایی بودند. اما با شکل‌گیری کانون‌های کارفرمایی استانی، ساختار سازمانی کعاصکا باید تغییر می‌کرد و با شرایط جدید انطباق می‌یافت. با اصلاح اساسنامه کعاصکا در مجمع قبلی، این کانون عالی وارد مرحله تازه‌ای از حیات خود می‌شود که مهم‌ترین ویژگی آن سراسری بودن آن است. کعاصکا در این مرحله از حیات خود نیاز دارد که بیش از گذشته به قواعد و به ساختارها تکیه کند و به مرور از وابستگی به بنیان‌گذاران اولیه خود فاصله بگیرد. به همین خاطر، در این شماره نشریه پیام کارفرمایان کتاب مهمی با عنوان «دستورنامه رابرت» معرفی شده است، که برای تمام تشکلهای کارفرمایی اهمیت فوق‌العاده دارد و انتظار می‌رود مورد عنایت تشکلهای سراسر کشور قرار بگیرد.

هم راه حل آن‌ها را. این ادعا از ادعای قبلی هم بزرگ‌تر است. اما اگر درستی این ادعاها ثابت شود، آشکار خواهد شد که طی یک دهه فاصله بین این دو ادعا، وضع اجتماعی ما، به شعبده‌ی فرایندهای جهانی شدن، به چه درجه‌ای از بلوغ رسیده است. پس می‌توان امیدوار بود که طی یکی دو دهه آینده از پس حل این مشکلات نیز برآئیم و برای نبرد با مشکلات بزرگتر آماده شویم.

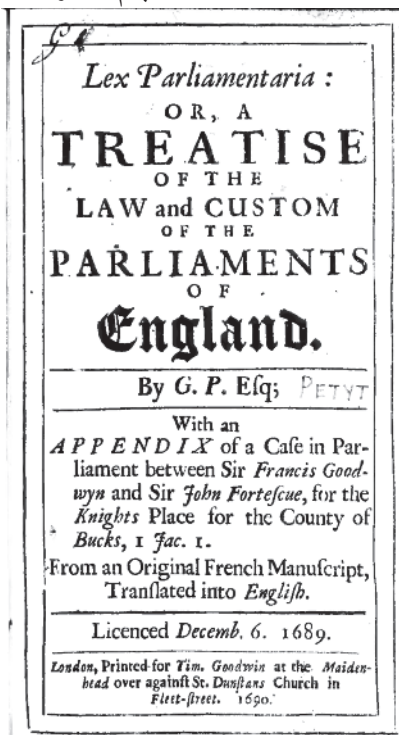
با اطمینان می‌توان گفت نکاتی که در این بسته نوشتاری تقدیم خواهد شد، برای ما حرف نو

یکی از پرتلاش‌ترین و سرشناس‌ترین فلاسفه معاصر ایران، که تلاش فکری عظیم خود را صرف نظریه پردازی در خصوص انحطاط ایران کرده است، ادعا می‌کند: «مسأله بسیار مهم این است که بلوغ و وضع اجتماعی ما هنوز به جایی نرسیده که بتواند دستگاه مفاهیمی را در اختیار ما بگذارد تا با آن دستگاه مفاهیم بتوانیم بحران‌ها و مشکلاتمان را ببینیم و وجوه پیچیده آن را فهم کنیم.»^۱

این ادعای بزرگی است و برای درک عظمت و اهمیت این ادعا باید ذهنی فلسفی داشت که مستلزم سال‌ها تمرین و تفلسف است. با این همه، و به عنوان هشدار به خوانندگان که به سادگی از این ادعا نگذرند، یادآوری می‌شود که انسان‌ها با مشاهده بی‌واسطه اشیاء از طریق حواسشان، تصویری از اشیاء در ذهن خود می‌سازند و برای آن‌ها نامی انتخاب می‌کنند و با شنیدن صدای نام آن اشیاء، منظور از صدا را می‌فهمند: درخت، فنجان، و اشیاء دیگر. اما پدیده‌های اجتماعی ذات نیستند که با شهود بی‌واسطه شناخته شوند، بلکه معنا هستند و در نتیجه، جامعه باید قبلاً معنایی را خلق کرده باشد تا اعضای آن جامعه قادر به درک آن معناها بشوند. با توجه به این مقدمات است که عمق فاجعه مورد نظر فیلسوف آشکار خواهد شد: آنکس که نداند و نداند که نداند. . . !

با این همه، تک تک نوشته‌های این بسته نوشتاری، یک هدف را دنبال می‌کنند: توصیف جلوه‌های متنوعی از «بحران‌ها و مشکلات» موجود در فعالیت‌های «شرکتی» و «انجمنی» ما و تلاش برای معرفی بسیار اجمالی «دستگاه مفاهیمی» که هم امکان فهم این مشکلات را در اختیار ما می‌گذارد و

۱. دکتر سید حواد طباطبائی. نشریه «نامه»، شماره ۲۴، تیر ماه ۱۳۸۲



تصویر روی جلد کتاب «قانون پارلمان یا رساله قانون و عرف پارلمان‌های انگلستان»

جورج پیت در کتاب خود با عنوان «قانون پارلمان یا رساله قانون و عرف پارلمان‌های انگلستان»، که در سال ۱۶۹۰ میلادی منتشر شد، به سی و هفت اثر و منبع پارلمانی اشاره می‌کند که پیش از انتشار این کتاب نوشته و منتشر شده بودند. این کتاب که در واقع یک راهنمای جیبی برای راحتی اعضای پارلمان بود، از جمله متن کامل «ژورنال مجلس عوام» را نیز به طور کامل نقل کرده است. این ژورنال، نخستین بار در سال ۱۵۴۷ به ابتکار منشی مجلس عوام تهیه و منتشر شد و به منبعی برای سوابق رویه‌ها و قواعد مجلس بدل شد. در ادامه، برخی از قواعد و رویه‌های قانون عرفی پارلمان و تاریخ اجرایی شدن آن‌ها در مجلس عوام، به نقل از کتاب «قانون پارلمان» در ادامه تقدیم می‌شود:

- یک موضوع در یک زمان، ۱۵۸۱.
- تناوب بین نقطه نظرات مخالف در تخصیص صحن. ۱۵۹۲
- الزام به اینکه رئیس همیشه رأی منفی را هم اخذ کند. ۱۶۰۴
- نزاکت و پرهیز از بدگویی در مذاکره. ۱۶۰۴
- محدود ساختن مذاکره به مزایای موضوع در دست بررسی. ۱۶۱۰
- تفکیک موضوع. ۱۶۴۰

در آمد. اما رعایت همین یک قاعده، مستلزم مجموعه‌ی قواعد دیگری است که آن‌ها نیز در طول دهه‌ها و از طریق آزمون و خطا و بدون هیچ طرح قبلی، به مرور خلق شدند. نوشته بعدی این مجموعه با عنوان «قواعد ناظر بر پیشنهاد‌های پارلمانی» اجمالاً به معرفی این قواعد می‌پردازد.

در هر زمان فقط یک موضوع!

در حالیکه نخستین قاعده از «قانون عرفی پارلمان» یا «قانون عام پارلمان» - که جنبه‌هایی از آن در این بسته‌ی نوشتاری معرفی خواهد شد - از سال ۱۵۸۱ میلادی مقرر کرده است: «وقتی پیشنهادی مطرح شد باید از طریق اخذ رأی تعیین تکلیف شود، یا، قبل از آنکه پیشنهاد دیگری مطرح شود با توافق عمومی مجمع کنار گذاشته شود» (کتاب «قانون پارلمان. یا رساله قانون و عرف پارلمان‌های انگلستان، نوشته جورج پیت، ۱۶۱۹)، اما هنوز در انواع مجامع تصمیم‌گیری ما، این قاعده رعایت نمی‌شود و هر عضوی بعد از گرفتن نوبت، و چه بسا بدون گرفتن نوبت، حق خود می‌داند هر چه که می‌خواهد بیان کند و این حق را عین آزادی بیان می‌داند! در نتیجه، حتی وقتی در ابتدای بحث، موضوع مشخصی هم مطرح شود، در جریان مذاکره، موضوع‌های بی‌ارتباط با موضوع اصلی از سوی افراد مختلف مطرح می‌شود و هم زمان چندین موضوع در میدان بازی سرگردان است و هر کس، هر وقت هر موضوعی را به هر جهتی که بخواهد شوت می‌کند!

واقعی اراده اکثریت اعضا باشد و تک تک اعضا در فرایند خلق آن تصمیم به صورت مستقیم مشارکت کرده باشند، و از همه این‌ها مهم‌تر، در جریان تبلور اراده اکثریت، حقوق اقلیت، حقوق غائبان، حقوق افراد و حقوق تمام این‌ها با هم، به شکل متوازن و عادلانه رعایت شده باشد.

در حالیکه قواعد قانون عرفی پارلمان تصمیم‌گیری گروهی را به یک «بازی» مفرح و لذت بخش تبدیل می‌کند، و از جمله، به همین دلیل، در جوامعی که مردم آن‌ها با این قواعد به صورت عرفی آشنا شده‌اند، انجمن‌های میلیونی شکل می‌گیرد، اعضای انجمن‌های ایرانی حتی از شرکت در مجامع سالانه خود نیز ابا دارند و مسؤلیت تصمیم‌گیری را چه به صورت رسمی و از طریق آئین‌نامه، و چه به صورت غیررسمی به هیأت مدیره وامی‌گذارند و اجلاس‌های هیأت مدیره انجمن‌ها نیز چه بسا که با رأی وکالتی اعضای غائب به نصاب می‌رسد. آیا تصمیم‌های هیأت مدیره چنین انجمن‌هایی می‌تواند تبلور اراده اکثریت اعضا باشد؟

نیاز به سازمان‌یابی

با این همه، شهرهای چند میلیونی که با جا کن شدن ساکنان حدود ۸۰ هزار روستا در پی فرایندهای جهانی شدن در دهه‌های اخیر در نقاط مختلف کشور سر برآورده‌اند، مملو از اشخاص «منفردی» است که تشنه سازمان‌دهی به «جماعت»‌های جدید هستند تا نیازهای اجتماعی گوناگون آنان را تأمین کند. رشد حیرت‌انگیز هیأت‌های عزاداری در ایام عاشورا، از جمله، جلوه‌ای از این نیازها را نیز به نمایش می‌گذارد. در نتیجه، به راحتی می‌توان پیش‌بینی کرد، ساختارهای متصلب و بسته‌ی حاکم بر انجمن‌های سنتی و به ثبت رسیده که شکل‌گیری انجمن‌های جدید را، به غلط رقیب خود می‌پندارند، دوام نخواهد آورد و این انجمن‌ها باید روش‌های اتحاد، ائتلاف و تشکیل کنوانسیون (مجامع نمایندگان) را برای سازماندهی به انجمن‌های چند ده هزار نفری فرابگیرند. قانون پارلمان، تمام قواعد مربوط به ایجاد سازمان‌های سراسری و چند میلیونی را نیز در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.

نخستین قاعده، نخستین گام

همانطور که در آغاز این نوشته خاطر نشان شد، نخستین قاعده‌ی قانون عرفی پارلمان، «در هر زمان یک موضوع» بود، که برای نخستین بار در سال ۱۵۸۱ میلادی در پارلمان‌های انگلستان مقرر شد و به اجرا

تمام کسانی که در مجامع عمومی انجمن‌ها و شرکت‌ها، در مجامع نمایندگان در کانون‌ها، در انواع کمیته‌ها و بوردهای اجرایی و مدیریتی شرکت‌ها و سازمان‌های انتخابی، و در انواع شوراهای تصمیم‌گیری حکومتی یا غیرحکومتی شرکت کرده‌اند با این مشکل آشنا هستند. ابتدایی‌ترین پیامد این «شبه بازی» بی‌قاعده، ائتلاف وقت و نیرو و سقوط کارآمدی و اثربخشی است، اما پیامدهای خسارت‌بار آن از قلمرو دانش مدیریت بسیار فراتر می‌رود و ارزش دارد که بیشتر مورد تأمل قرار بگیرد.

پیامدهای بی‌قاعدگی

چه بسا بسیاری از کسانی که پاک‌ترین نیت‌ها را دارند، شاید به دلیل ناآشنایی با قواعد نسبتاً پیچیده قانون عرفی پارلمان بر این باور باشند که خاصیت فعالیت گروهی وجود همین چالش‌ها و کشمکش‌هاست و، به قول معروف، هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد. معمولاً در هر انجمنی این افراد صبور و خوش نیت، تمام ناملازمات و دشواری‌های ناشی از بی‌قاعدگی را تحمل می‌کنند تا شعله لرزان انجمن روشن باقی بماند. اما بدیهی است که چنین انجمن‌هایی قادر نخواهند شد هزاران هزار عضو بالقوه را چنان جذب کنند که هر تصمیم انجمن تبلور

قواعد ناظر بر پیشنادهای پارلمانی

هرچند پارلمان انگلستان در قرن دوازدهم میلادی شکل گرفت اما تا قرن‌ها بعد فقط سالی یکبار تشکیل می‌شد تا میزان خراج را تعیین کند. در این دوران، حتی سخنگوی پارلمان جرأت نداشت پیام‌های ناخوشایند مجلس را به گوش پادشاه برساند، چرا که جانش به راستی در خطر قرار می‌گرفت.

با توجه به چنین سابقه‌ای است که هنوز هم وقتی سخنگوی مجلس عوام انتخاب می‌شود، او را کشان کشان تا کرسی ریاست به دوش می‌کشند. به نوشته‌ی وب سایت پارلمان انگلستان سابقه این رسم به دوران اولیه پارلمان برمی‌گردد که هیچ کس از ترس پادشاه جرأت نداشت نقش سخنگویی را مجلس را بر عهده بگیرد.

در قرن شانزدهم میلادی بود که بازتاب تضادهای اجتماعی در مجلس عوام بالا گرفت و ضرورت تدوین قواعدی برای اداره مجلس بیشتر احساس شد و به این ترتیب، در سال ۱۵۸۱ قاعده «در هر زمان فقط یک موضوع» به عنوان نخستین قاعده قانون پارلمان به رسمیت شناخته شد. با این همه، این وظیفه سخنگوی مجلس بود که پس از استماع نظرات موافق و مخالف، جمع‌بندی مذاکرات را در قالب پیشنهادی صورت‌بندی کرده و برای تصویب از طریق اجماعی عمومی تقدیم صحن کند.

تا وقتی موضوع‌ها ساده و محدود بودند و زمان کافی برای مذاکرات در اختیار بود، روش اولیه برای اداره جلسه بر اساس قاعده «در هر زمان یک موضوع» کفایت می‌کرد. اما با پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی و تنوع مسائل و تکرر موضوع‌های مورد بحث، پراکتیس پارلمانی نیز پیچیده‌تر شد و بعضی از کارکردهای پارلمانی در موقعیت‌های مشابه، آنقدر تکرار می‌شد که ضرورت خلق مفاهیمی برای شناخت آن کارکردها احساس شد و در این مرحله از تاریخ تکامل قانون پارلمان بود که مفهوم «پیشنادهای پارلمانی» ساخته شد.

روند ساخت پیشنهادی پارلمانی

یکی از نخستین پیشنهادی پارلمانی که در جریان عمل ساخته شد، پیشنهاد «تفکیک موضوع» بود. صفحه ۱۶۹ کتاب «قانون پارلمان» به نقل از ژورنال مجلس عوام می‌نویسد: «اگر موضوع مورد بحث از بیش از یک بخش تشکیل شود، و به نظر برسد که اعضاء موافق یک بخش هستند، و نه بخش دیگر، می‌توان پیشنهاد داد که همان موضوع به دو یا چند موضوع تقسیم شود: مثل ۲ دسامبر ۱۶۴۰ که بحث در خصوص

انتخاب دو شوالیه به دو موضوع قسمت شد». نیز می‌توان تصور کرد که وقتی سخنگوی مجلس جمع‌بندی مذاکره در خصوص یک موضوع را برای اخذ رأی به صحن ارایه می‌داده است، بعضی از اعضاء تمایل داشته‌اند که برخی از عبارات متن پیشنهاد را کم یا زیاد کنند. در این صورت، و با تکرار این کارکرد پارلمانی، مفهوم «پیشنهاد اصلاح» مطرح شده است و به همین ترتیب، با پیچیده‌تر شدن پراکتیس پارلمانی، تعداد هرچه بیشتری پیشنهاد پارلمانی ساخته و پرداخته شد و برخی از آن‌ها، مثل «کفایت مذاکره» و «تفکیک آراء»، از زمان انقلاب مشروطه به ادبیات پارلمانی ما نیز راه یافت. در حال حاضر، ویرایش دهم کتاب «دستورنامه رابرت»، که معروف‌ترین و جامع‌ترین مرجع پارلمانی در سراسر جهان است و - با احتساب زبان فارسی - به سی و یک زبان ترجمه شده است، ۸۶ پیشنهاد پارلمانی را فهرست کرده است.

نظام رتبه‌بندی پیشنهادها

با توجه به توضیح‌های اجمالی ارایه شده می‌توان دریافت که اصلی‌ترین ابزار مفهومی در پراکتیس پارلمانی - یعنی در روند اخذ تصمیم گروهی دموکراتیک - پیشنهادها هستند. هر عضوی فقط از طریق به کار بردن پیشنهادی پارلمانی که هر کدام، کارکرد دقیق و مشخصی دارد، می‌تواند مقصود خود را در هر مجمع تصمیم‌گیری بیان کند. پیشنهادی پارلمانی در واقع کلیدی‌ترین مفاهیمی هستند که زبان مشترکی را در اختیار بازیگران بازی دموکراسی قرار می‌دهند تا بتوانند با یکدیگر سخن بگویند. با این همه، شناخت هر پیشنهاد پارلمانی مستلزم آن است که، دست

قابل توجه تشکل‌های کارفرمایی

از اعضای هیأت مدیره محترم آن گروه از تشکل‌های کارفرمایی عضو کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران (کعاصکا) که علاقمند هستند با قواعد دستورنامه رابرت آشنا شوند، و تصمیم‌گیری در چارچوب این قواعد را فرا بگیرند و با طرز استفاده از کتاب دستورنامه رابرت در انجمن‌های خود آشنا شوند درخواست می‌شود به صورت مستقیم با مهندس محمد عطاردیان دبیرکل کعاصکا تماس بگیرند تا تدارک لازم برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی مورد نیاز در سطح استان یا شهرستان صورت بگیرد. گفتنی است این کارگاه‌ها می‌تواند جلسات علنی هیأت مدیره انجمن‌های علاقمند باشد یا افراد منتخب هیأت مدیره در کارگاه‌های جداگانه شرکت کنند.

کم هشت خصوصیت استاندارد هر پیشنهاد شناخته شود. یکی از این خصوصیات، اولویت یا رتبه‌بندی مجموعه‌ی پیشنهادی پارلمانی نسبت به یکدیگر است.

فرض کنید یک پیشنهاد «اصلی» - که یک موضوع جدید را در برابر مجمع قرار می‌دهد - در دست بررسی باشد. در این موقع، یک پیشنهاد اصلاح برای افزودن یا خط زدن عباراتی از متن پیشنهاد اصلی در دست بررسی در دستور خواهد بود. یعنی، می‌توان برای رعایت اصل «در هر زمان فقط یک موضوع»، پیشنهاد اصلی را موقتاً کنار گذاشت و پیشنهاد اصلاح را مورد بحث قرار داد و بعد از تعیین تکلیف پیشنهاد اصلاح، دوباره به سراغ پیشنهاد اصلی رفت.

با توجه به مثال فوق می‌توان گفت: وقتی رابطه دو پیشنهاد پارلمانی الف و ب، از نظر کارکرد، به گونه‌ای باشد که وقتی الف در دست بررسی است، بشود پیشنهاد ب را مطرح کرد و الف را موقتاً کنار گذاشت، گفته می‌شود که پیشنهاد ب از پیشنهاد الف اولویت بیشتری دارد و از آن جلو می‌افتد و، برعکس، پیشنهاد الف از پیشنهاد ب اولویت کمتری دارد و از آن عقب می‌افتد.

همانطور که گفته شد، در حال حاضر پراکتیس پارلمانی با استفاده از ۸۶ پیشنهاد پارلمانی صورت می‌پذیرد و این پیشنهادها نسبت به هم دارای اولویت‌های مشخصی هستند که در کل، «نظام رتبه‌بندی» پیشنهادی پارلمانی را تشکیل می‌دهند. و هر عضوی در مجمع برای رعایت قاعده‌ی «در هر زمان فقط یک موضوع»، باید با این خصوصیت پیشنهادی پارلمانی آشنا باشد و منظور خود را با استفاده به موقع از یک پیشنهاد مناسب و مجاز بیان کند. در غیر این صورت، پیشنهادش خارج از دستور خواهد بود و حق طرح آن را نخواهد داشت.

سایر خصوصیات توصیفی پیشنهادها

هر پیشنهاد پارلمانی مشخص، کاربرد مشخصی دارد. همچنین، برای رعایت قاعده «در هر زمان فقط یک موضوع»، هر پیشنهادی را نمی‌توان در هر زمانی مطرح کرد. برخی از پیشنهادی پارلمانی قابل مذاکره هستند و برخی نیستند. برخی قابل اصلاح هستند و برخی نیستند. برخی با اکثریت آراء به تصویب می‌رسند و برخی با دو سوم آراء ...

بله. قواعد ناظر بر پیشنهادی پارلمانی آنقدر پیچیده هستند که - به عنوان یک شاهد - در اداره پتنت (حق امتیاز) ایالات متحد آمریکا ده‌ها دستگاه اختراعی به ثبت رسیده است تا این قواعد را به ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن به یاد کاربران بیاورد. باشد که این اشارات اجمالی بتواند مهم و جدی بودن مسأله را نشان دهد.

اصول زیربنایی قانون پارلمان

یکی از پیشنهادهای پارلمانی «تعلیق قواعد» است: وقتی مجمعی بخواهد در جریان نشست خود کاری انجام دهد که بدون نقض یک یا چند قاعده از قواعد عادی خود، قادر به انجام آن کار نباشد، می‌تواند پیشنهاد «تعلیق قواعد» را به تصویب برساند. البته، تصویب این پیشنهاد به دو سوم آراء نیاز خواهد داشت. با این همه، بعضی از قواعد حتی با اجماع عمومی کل اعضای یک سازمان نیز قابل تعلیق نیستند. از جمله «قواعدی که تجسم اصول زیربنایی قانون پارلمان هستند، مانند قاعده‌ای که اجازه می‌دهد که در آن واحد فقط یک پیشنهاد مورد بررسی قرار بگیرد.»

در نخستین بخش این بسته نوشتاری خاطر نشان شد که نخستین قاعده قانون پارلمان قاعده‌ای است که بر اساس آن در یک مجمع در هر زمان فقط یک موضوع باید مورد بررسی قرار بگیرد. حالا ملاحظه می‌کنید که حتی کل اعضای یک سازمان با اجماع عمومی هم قادر نیستند این قاعده را به حالت تعلیق درآورند. به طور کلی، اصول زیربنایی قانون پارلمان و نیز مجموعه‌ی قواعدی که حافظ این اصول هستند، حتی با اجماع عمومی کل اعضای یک سازمان نیز قابل تعلیق نیستند. حالا نوبت طرح این سؤال است که اصول زیر بنایی قانون پارلمان چیست و کدام قواعد قانون پارلمان و چگونه از این اصول حفاظت می‌کنند؟

اصل اول

نخستین و مهم‌ترین اصل قانون پارلمان حاکی از این است که قواعد قانون پارلمان بر رعایت دقیق حقوق متوازن:

- اکثریت
- اقلیت، به ویژه یک اقلیت قوی - بزرگتر از یک سوم،
- اعضای منفرد،
- غائبان، و
- تمام این‌ها با هم، مبتنی هستند.

بیان این اصل در سطح نظری ساده است، اما اینکه مجموعه قواعد قانون پارلمان، که تمام روندهای پراکتیس پارلمانی را بدون استثناء پوشش داده‌اند، چنان تنظیم شده باشند که، در همه حال، حقوق اکثریت، اقلیت، اعضای منفرد، غائبان و تمام این‌ها را با هم و به شکل متوازن تأمین کنند، انصافاً کاری است کارستان. بی‌جهت نیست که توماس جفرسون در مورد

این قواعد می‌گوید برای مدیریت مذاکرات در یک مجمع مشورتی و کسب معنای حقیقی آن، چنان خردمندانه ساخته شده‌اند که نظیرش برای ما شناخته شده نیست (صفحه ۱۴ پیشگفتار کتاب راهنمای توماس جفرسون).

برای درک اینکه کدام قواعد قانون پارلمان حافظ این اصل هستند و در نتیجه حتی با اجماع عمومی و موافقت کل اعضای یک سازمان هم تعلیق نمی‌شوند چند نمونه ارائه می‌شود:

حقوق فرد

• هر عضوی حق دارد با طرح پیشنهاد «تشکیک آراء» خواهان رأی‌گیری مجدد در خصوص یک موضوع شود. از آنجا که این قاعده از حق فرد دفاع می‌کند، غیرقابل تعلیق است.

• هر عضوی حق دارد خواهان غیرعلنی شدن مجمع شود. این قاعده نیز از حقوق فرد دفاع می‌کند. در نتیجه نه اکثریت، بلکه حتی کل اعضای هم نمی‌توانند با اتفاق آراء این حق را از فرد سلب کنند.

• هر عضوی حق دارد درخواست رأی‌گیری با ورقه را پیشنهاد کند. از آنجا که این قاعده نیز از حق فرد دفاع می‌کند حتی با اجماع کل اعضای سازمان نیز غیرقابل تعلیق است

حقوق اقلیت

• طبق قواعد قانون عرفی پارلمان، و در صورتی که آئین‌نامه وقواعد یک سازمان مشخص طور دیگری مقرر نکرده باشد، هر عضو مجمع حق دارد در مورد یک موضوع در طول یک روز دو بار و هر بار ده دقیقه صحبت کند. بنا بر این رأی‌گیری در خصوص هر موضوع در دست بررسی فقط موقعی مجاز است که تمام اعضای حاضر در مجمع - در صورت تمایل - دو بار در باره آن موضوع صحبت کرده باشند. این حق با «پیشنهاد کفایت» مذاکره سلب می‌شود. اما این پیشنهاد باید با دو سوم آراء مؤخذه - و نه دو سوم اعضای حاضر - به تصویب برسد. یک نمونه از قواعدی است که از حقوق اقلیت دفاع می‌کند در نتیجه نمی‌توان شرط تصویب پیشنهاد کفایت مذاکره را با اجماع عمومی به اکثریت یا کم‌تر تغییر داد.

حقوق غائبان

• اصلاح تمام قواعد ناظر بر خود سازمان - اعم از اساسنامه/آئین‌نامه یا دستورنامه (که در نوشته‌های بعدی این بسته نوشتاری در مورد آن توضیح داده شده است) بدون استثناء مستلزم اخطار قبلی است. یعنی باید در مجمع قبلی اعلام شده باشد و از طریق دستور جلسه قبلی

به اطلاع تمام اعضای رسانیده شده باشد. یا حتماً باید همراه با دستورکار مجمع و فراخوان آن برای کل اعضای سازمان ارسال شود. این قاعده تضمین می‌کند حتی اعضای که به هر دلیل مایل یا قادر به حضور در مجمع نبوده‌اند از پیشنهاد اصلاح آئین‌نامه و دستورنامه اطلاع یافته‌اند. البته، حتی در این صورت نیز اصلاح قواعد ناظر بر خود سازمان مستلزم دو سوم آراء مؤخذه (و نه دو سوم اعضای حاضر) خواهد بود. از آنجا که این قاعده از حقوق غائبان دفاع می‌کند، کل سازمان نیز نمی‌تواند آن را تعلیق کند.

• اعضای هر شرکت، جمعیت، سازمان، انجمن و به طور کلی هر شخصیت حقوقی، وقتی اساسنامه/آئین‌نامه خود را امضاء می‌کنند، باید نصاب مجمع تصمیم‌گیری خود را مشخص سازند. در هر زمان که مجمع از نصاب خارج شود، هر تصمیمی که اتخاذ کند (جز برخی موارد برای رساندن مجمع به نصاب) غیرقانونی است. این قاعده چون از حقوق غائبان دفاع می‌کند غیرقابل تعلیق است

قانون پارلمان به مثابه شاخه‌ای از حقوق

چند نمونه از قواعدی که ذکر شد، از یک اصل از اصول قانون پارلمان دفاع می‌کنند در نتیجه قابل تعلیق نیستند. می‌بینید که چگونه قانون عرفی پارلمان - به قول توماس جفرسون - یک شاخه از دانس حقوق است و قواعد آن باید از طریق تفکر فلسفی و بر مبنای عقل تبیین شود. در غیر این صورت، در غیاب تبیین فلسفی قواعد قانون پارلمان، آنچه که در عمل رخ می‌دهد تداوم استبداد و آشوب است و نه دموکراسی. این موضوع در نوشته بعدی این مجموعه بررسی شده است.

کاربرد قانون پارلمان بهترین روش تا کنون ابداع شده برای توانمندسازی مجامعی است در هر اندازه، با احترام کامل به نظر تمام اعضا، برای رسیدن به اراده عمومی در مورد بیشترین تعداد از موضوع‌ها با پیچیدگی‌های متفاوت در کم‌ترین زمان و تحت انواع فضای‌های داخلی از هماهنگی کامل تا اختلاف نظر عمیق یا شدید

دستورنامه رایبوت: اصول زیربنایی قانون پارلمان

رئیس مستبد و رئیس غیر مستبد

در نخستین بخش از این بسته نوشتاری گفته شد که نخستین قاعده قانون عرفی پارلمان که در سال ۱۵۸۱ به اجرا در آمد مقرر می کند که در یک مجمع تصمیم گیری در هر لحظه فقط یک موضوع باید در دست بررسی باشد. قسمت دوم این نوشته ها نشان داد که چطور برای رعایت همین قاعده، مجموعه پیشنهادهای پارلمانی باید بر اساس تفکر عقلی رتبه بندی شوند و قواعد درونی آنها - تقریباً شبیه به قواعد منطق - باید به روش عقلی استنتاج و تبیین شوند. در قسمت سوم نشان داده شد که تمام این قواعد در واقع بر مبنای اصولی استدلال و تبیین شده اند که ماهیت و جوهر قانون پارلمان را به مثابه شاخه ای از دانش حقوق تبیین می کنند. در نتیجه، کل اعضای یک سازمان و کل احاد یک ملت نیز نمی توانند این اصول و قواعدی را که حافظ این اصول هستند - حتی به صورت موقت - تعلیق کنند.

تا همین جا هم کافی است تا دریابیم دومین ادعایی که در مقدمه این بسته نوشتاری مطرح شد تا چه حد مقرون به حقیقت است: با مفاهیمی آشنا می شویم که می تواند بر ظلماتی که در آن بوده ایم نور بپاشند و نشان دهند که چطور سراپای جوامع، شرکت ها، جماعت ها، گروه ها و اشخاص حقوقی ما در بی قانونی محض عمل می کنند و همه جا استبداد و خودرأیی جریان دارد. اما فاجعه اینجاست که تصور می کنیم طبق مَر قانون عمل می شود! برای آنکه کوچکترین تردیدی در این زمینه باقی نماند، در این قسمت، نقش رئیس در عرف پارلمانی خودمان را با نقش رئیس در قانون عرفی پارلمان مقایسه می کنیم.

نوبت دادن یا صحن گرفتن؟

راقم این سطور سالیانی از عمر خود را صرف ترجمه کتابی کرده است که سال ها پیش با عنوان «قواعد نظام دموکراسی» به عربی ترجمه شده است. ترجمه فارسی این کتاب با عنوان «دستورنامه رابرت» به زودی منتشر خواهد شد. ششمین قسمت از این بسته نوشتاری، این کتاب را معرفی خواهد کرد. اما نقل تجربه مترجم درک تمایز بین دو مفهوم نوبت دادن و صحن گرفتن به خوبی تمایز بین رئیس مستبد و رئیس غیرمستبد را نشان می دهد.

در طول این کتاب ۸۰۰ صفحه ای، هر جا قرار است عضوی پیشنهادی را در مجمع مطرح کند، از اصطلاح «کسب صحن» استفاده شده

است. اما در حالیکه «کسب صحن» شرط لازم برای صحبت کردن یک عضو است، شرط کافی نیست. رئیس نیز باید این «کسب صحن» عضو را تأیید کند. به این بخش از پراکتیس پارلمانی رئیس مجمع، «تخصیص صحن» گفته می شود. به این ترتیب، ما با دو اصطلاح پارلمانی جدید مواجه هستیم. این دو اصطلاح با دو مفهومی که ما در این مورد به کار می بریم، یعنی با «گرفتن نوبت» و «دادن نوبت» چه فرقی دارند؟

معانی «صحن» در قانون عرفی پارلمان

«صحن»، که از انقلاب مشروطه به این سو، با خوش ذوقی مشروطه طلبان، در برابر اصطلاح «فلور» (Floor) جعل شده است، در قانون عرفی پارلمان سه معنای متمایز دارد:

- محل گردآمدن اعضای یک مجمع
 - مجموعه اعضای حاضر در یک مجمع
 - حق انحصاری شنیده شدن در مجمع
- دو معنای نخست اصطلاح «صحن» در عرف پارلمانی ما شناخته شده است. اما معنای سوم مغفول مانده است. این نکته بسیار ظریفی است که علت آن در پایان همین نوشته آشکار خواهد شد.

توجه دارید که در معنای سوم اصطلاح «صحن»، از حق انحصاری «شنیده شدن» صحبت می شود و نه از حق انحصاری «صحبت کردن». بین این دو مفهوم تمایز بسیار مهمی وجود دارد که شرح آن از حوصله این نوشته خارج است.

در قانون عرفی پارلمان، وقتی عضوی در جریان مذاکره، نطق خود را خاتمه می دهد و می نشیند، عملاً «صحن» را واگذار می کند و هر عضو دیگری که قبل از دیگران برخیزد و رئیس را مخاطب قرار دهد، «کسب صحن» کرده است. بنا بر این، اعضای باید «صحن» را، یا «حق انحصاری شنیده شدن» را با سرعت و چابکی

هنری مارتین رابرت مؤلف کتاب دستورنامه رابرت:

جایی که قانون نباشد، اما هر کس کاری را که به نظر خودش صحیح است انجام دهد، کمترین آزادی واقعی وجود دارد.

دشوار بتوان، در کشوری که مردم در آن حاکم هستند، شاخه دیگری از معرفت، به جز قانون پارلمان، را یافت که مطالعه ای اندک در آن چنین نتایج عظیمی در اثربخشی ایجاد کند.

کسب کنند و اگر دیر بجنبند، عضو دیگر صحن را روی هوا کسب کرده است. با این همه، صرف «کسب صحن» به عضو قانونیت نمی دهد که صحبت کند. بلکه پیشنهاد او، یا پراکتیس پارلمانی مورد نظر او، در آن وضعیت مشخص از بازی پارلمانی، باید «در دستور» باشد، یعنی باید طبق قواعد قانون پارلمان باشد تا بتواند صحبت کند. اما تشخیص اینکه «کسب صحن» عضو، برای انجام یک عمل مشخص پارلمانی قانونیت دارد یا نه، بر عهده رئیس است. به همین خاطر، رئیس باید مطلع شود که عضو برای چه مقصودی کسب صحن کرده است. و اگر کسب صحن عضو برای مقصودش در چارچوب مجموعه ی قواعد ناظر بر پراکتیس جاری در آن لحظه «در دستور» باشد، رئیس قانونیت کسب صحن عضو را تأیید می کند و صحن را به آن عضو تخصیص می دهد.

این فرایند پیچیده را با روند ساده شده نوبت دادن و نوبت گرفتن در عرف پارلمانی ما مقایسه کنید: اعضاء از جناب رئیس «تقاضای نوبت» می کنند. و رئیس نیز به تشخیص خود به هر عضوی که بخواهد نوبت «می دهد». این حق «نوبت دادن» را رئیس از کجا کسب کرده است؟ می توانیم بگوییم که مجمع به اختیار خود و برای تسهیل امور مجمع این حق را به رئیس تفویض کرده است. بسیار خوب. اما رئیس طبق کدام ضابطه این حق را به اعضاء تفویض می کند؟ پاسخ روشن است: هر کس را که خودش تشخیص داد. آیا این رفتار بر اساس تشخیص شخصی عین استبداد رأی نیست؟ و آیا در مجمعی که رئیس آن به صورت دلخواهی عمل کند، صحبت کردن از رعایت قانون شوخی نیست؟

شطرنج بازی برره ای

قانون اساسی ایالات متحد آمریکا، تدوین آئین نامه های مجلس و سنا را بر عهده خود آنها گذاشته بود. آئین نامه اولیه مجلس سنا نیز این قبیل اختیارات را به رئیس مجلس تفویض کرده بود. اما توماس جفرسون، نخستین رئیس مجلس سنای آمریکا می گوید: این عین استبداد است. و در همانجاست که با اشاره به قانون عرفی پارلمان انگلستان می گوید: این قانون آنقدر خردمندانه ساخته شده که نظیرش را نمی توان یافت.

همانطور که توضیح داده شد، پیچیده ترین بخش از قواعد قانون پارلمان، قواعد ناظر بر پیشنهادها هستند که مثل قواعد ناظر بر حرکت مهره های شطرنج قابل رویت نیستند و به همین خاطر اداره مجامع ما به شطرنج بازی «بره ای ها» در سریال تلویزیونی «شب های برره» شبیه است!

هستند که یک نصاب نسبتاً کوچک - خیلی کم تر از اکثریت کل اعضا - را تعیین کنند. در بیشتر چنین سازمان‌هایی رسیدن به اکثریت اعضا در یک نشست به ندرت ممکن می‌شود. گاهی نصاب با درصد اعضا تعیین می‌شود؛ اما این روش محاسبه رقم مورد نیاز اشکال دارد و منجر به سردرگمی خواهد شد. حد نصاب باید چنان تعدادی از اعضا باشد که منطقاً بتوان در مورد حضور آنان در هر نشست، به جز در شرایط بسیار بد آب و هوایی یا شرایط استثنائی دیگر، حساب کرد.

تذکر در خصوص رویه تغییر ماده نصاب در آئین‌نامه. اگر تغییر ماده‌ی مربوط به نصاب در آئین‌نامه‌ی یک انجمن ضروری شود، باید مراقب بود، زیرا به محض آنکه آن قاعده از آئین‌نامه حذف شود، نصاب انجمن در همان لحظه به اکثریت اعضا تبدیل خواهد شد، و در بسیاری از انجمن‌ها رسیدن به نصاب اکثریت اعضا ممکن نخواهد شد. در نتیجه، رویه مناسب این است که به صورت همزمان، حذف نصاب قدیمی و گنجاندن نصاب جدید، به عنوان یک موضوع، پیشنهاد و با هم به رأی گذاشته شود.

در تشکیلات قانونگذاری یا دیگر مجامعی که قدرت اجبار اعضا خود به حضور را دارند، رویه‌ای که می‌تواند برای کسب نصاب، اگر لازم باشد، مورد استفاده قرار بگیرد، پیشنهاد جلب به مجمع است. این پیشنهادی است که اعضا غائب غیرموجه را تحت بازداشت به نشست می‌آورد.

وجه عذر آنان پذیرفته شود. تا عضوی مبلغ تعیین شده علیه خود را نپردازد، نمی‌تواند رأی بدهد یا از رئیس برای هیچ کاری صحن بگیرد.

وقتی دستور جلب به مجمع صادر شود، هیچ پیشنهادی، حتی با توافق عمومی، طبق دستور نخواهد بود، مگر پیشنهادهای مربوط به حکم جلب. با این حال، پیشنهادهای ختم جلسه یا گذشتن از اقدامات بیشتر تحت آن حکم جلب، پس از حصول نصاب، یا پس از آنکه افسر جلب گزارش کند که به نظر او نمی‌توان به نصاب رسید، می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرند. ختم جلسه به تمام اقدامات تحت حکم جلب به مجمع خاتمه می‌دهد.

می‌کنند، اما اگر چنین مقرراتی موجود نباشد، حد نصاب، طبق قانون عرفی پارلمان، به شرح زیر است:

- (۱) در نشست‌های توده‌ای، حد نصاب صرفاً تعداد افراد حاضر در هر زمان است، زیرا آنان کل اعضا را در آن زمان تشکیل می‌دهند.
- (۲) در سازمان‌هایی مانند بسیاری از کلیساها و بعضی انجمن‌ها که در آن‌ها حق عضویت سالانه الزامی و اجباری وجود ندارد و ثبت نام اعضا به طور کلی جدی و قابل اتکاء نیست، نصاب در هر نشست عادی یا دعوت شده، از کسانی که حضور می‌یابند تشکیل می‌شود.
- (۳) در یک گروه از نمایندگان، مانند یک کنوانسیون، نصاب اکثریت اعضائی است که به عنوان شرکت‌کننده ثبت نام کرده‌اند، صرف نظر از اینکه چه تعداد عزیمت کرده باشند. این رقم ممکن است با تعداد منتخبان یا منصوبان تفاوت فاحشی داشته باشد.
- (۴) در هر مجمع مشورتی دیگر با عضویت ثبت شده که آئین‌نامه‌اش حد نصاب را مشخص نکرده باشد، نصاب اکثریت کل اعضا است.

انجمن‌های داوطلبانه که عضویت ثبت شده دارند، برای انجام کارهایشان، به طور کلی نیازمند مقرراتی در آئین‌نامه‌های خود

صادر می‌شود، منشی اعضا را حاضر غائب می‌کند، سپس نام غائبان را دوباره می‌خواند - به نمایندگی از آنان علت غیبت را می‌توان بیان و تقاضای عذر کرد. پس از این، هیچ عضوی حق ترک صحن را نخواهد داشت، درها قفل می‌شوند، و به افسر انتظامات، رئیس پلیس، یا دیگر افسر جلب دستور داده می‌شود که غائبانی را که عذر موجهی برای غیبت نداشته‌اند دستگیر کرده و به مجمع بیاورد. او این کار را با مجوزی با امضاء مقام ریاست و تأیید منشی انجام می‌دهد. وقتی اعضا دستگیر شده را به داخل می‌آورند، جداگانه تفهیم اتهام می‌شوند، توضیح آنان شنیده می‌شود، و، طبق پیشنهاد، ممکن است با یا بدون پرداخت

یک سوم، یک پنجم، یا تعداد دیگری کم‌تر از اکثریت اعضا یا اعضا منتخب حاضر باشند تا بتوانند با رأی اقلیت دستور جلب به مجمع را تصویب کنند. وقتی نصاب حاصل نشده باشد، این پیشنهاد از تمام پیشنهادهای دیگر به جز یک پیشنهاد مبنی بر ختم جلسه جلو می‌افتد. اگر قاعده اجازه صدور جلب در زمانی را بدهد که نصاب حاصل باشد (با هدف کسب حضور بیشتر)، آن پیشنهاد در چنین زمان‌هایی باید فقط با تقاضاهای فوری رتبه‌سنجی شود، به اکثریت آراء برای تصویب نیاز خواهد داشت، و، اگر رد شود، مادام که نصاب حاصل باشد، نباید اجازه تجدید بیابد. وقتی دستور جلب به مجمع

نصاب در قانون و نصاب در «شبه قانون»

یکی از مفاهیم پارلمانی که تقریباً تمام فعالان اجتماعی با آن آشنا هستند، مفهوم نصاب است: تعداد اعضای دارای رأی که باید در یک مجمع حاضر باشند تا کارها به شکل قانونی انجام شود. بسیار خوب، اما اگر نصاب حاصل نشد چه؟ راه حل ما برای این مسأله ساده است: ساختن نصاب به اشکال غیرقانونی مختلف، یا به صورت قانونی، دعوت به فراخوانی دیگر با تعداد کم‌تر، و سرانجام با هر تعداد که آمدند. قانون عرفی پارلمان در این زمینه چه می‌گوید؟ حکم جلب به مجمع به صورت تحت الحفظ!

در ادامه و برای آشنایی با سبک و سیاق کتاب «دستورنامه رابرت»، دو قسمت از بخش ۴۰ کتاب که به موضع ساده‌ای مثل نصاب پرداخته است نقل می‌شود:

قواعد راجع به نصاب

تعداد اعضا تشکیل دهنده نصاب. بسته به سازمان و مقرراتی که در این ارتباط تصویب می‌کند، تعداد اعضا تشکیل دهنده نصاب می‌تواند متفاوت باشد. همانطور که در ادامه بحث می‌شود، بیشتر انجمن‌های داوطلبانه نصاب خودشان را در آئین‌نامه مشخص

جلب به مجمع

در تشکیلات قانونگذاری یا دیگر مجامعی که قدرت اجبار اعضا خود به حضور را دارند، رویه‌ای که می‌تواند برای کسب نصاب، اگر لازم باشد، مورد استفاده قرار بگیرد، پیشنهاد جلب به مجمع است. این پیشنهادی است که اعضا غائب غیرموجه را تحت بازداشت به نشست می‌آورد. جلب به مجمع در انجمن‌های داوطلبانه کاربرد ندارد.

مجامعی که در آن‌ها ضرورت صدور فرمان جلب به مجمع وجود داشته باشد، باید قاعده‌ای ناظر بر این پیشنهاد به تصویب برسد و شرط کند که

دستورنامه رابرت

در طول نوشته‌های این بسته نوشتاری از «قانون عرفی پارلمان» صحبت شد. این بخش می‌کوشد تا مفهومی را که برای ادبیات پارلمانی در زبان فارسی تازگی دارد - یعنی «دستورنامه» را - معرفی کند و توضیح دهد چرا تمام شرکت‌ها، سازمان‌ها، انجمن‌ها، شوراها و به طور کلی انواع مجامع تصمیم‌گیری به آن نیاز دارند.

آنچه که به عنوان «قانون پارلمان» شناخته می‌شود و طی نزدیک به هزار سال در پارلمان انگلستان ساخته و پرداخته شد، در واقع همان قانون اساسی انگلستان است که چون به مرور و به صورت عرفی ساخته و پرداخته شده است، انگلیسی‌ها آن را بلد هستند و نیازی هم به مکتوب کردن آن نیافتند. سابقه این قانون از یک سو به سنت اقوام انگلوساکسون‌ها می‌رسد که جزیره بریتانیا را فتح کردند، و از یک سو به تمدن یونان باستان.

می‌دانید که حکومت‌های دموکراسی برای نخستین بار در دولت شهرهای یونان شکل گرفتند و نظریه پردازانی مانند ارسطو در کتاب «قانون اساسی آتی‌ها» یا در کتاب «سیاست» خود به طور مفصل در این مورد به بحث و تفلسف پرداخته‌اند. بعدها رومی‌ها از قانون اساسی دولت‌شهرهای یونانی تقلید کردند و در حکومت چهار صد ساله امپراطوری روم بر جزیره بریتانیا بود که تجربه یونانیان از طریق رومی‌ها با تجربه انگلوساکسون‌ها در امر حکومت با هم درآمیخت. پرداختن به جزئیات این درهم آمیزی در شکل دهی به قانون پارلمان را به مورخان واگذاریم و به بحث خود برگردیم.

انگلیسی‌ها که در قرن هفدهم بر بخش وسیعی از کره زمین سلطه یافتند، مهاجرنشین‌های خود را طبق همان قواعد نامکتوب حاکم بر انگلستان تأسیس و اداره می‌کردند. سیزده مهاجر نشین انگلیسی در قاره جدید که بعدها علم استقلال بلند کردند و ایالات متحد آمریکا را به وجود آوردند نیز از این قاعده مستثنی نبودند. اینکه در هر یک از این ایالت‌ها، قانون پارلمان چه مسیری را طی کرد و در ساخته شدن حکومت فدرال ایالات متحده چه نقشی داشت موضوع تاریخ است. نکته مهم پرداختن به این مسأله است که چه نیازی سبب شد که قانون عرفی پارلمان برای نخستین بار در ایالات متحده آمریکا مکتوب شود؟

«راهنمای» توماس جفرسون

نخستین روایت مکتوب از قانون پارلمان در قاره جدید را توماس جفرسون با عنوان «راهنما» ارایه داد. وی که طی سال‌های ۱۷۹۷ تا ۱۸۰۱ معاون رئیس جمهور و رئیس کنگره بود، برای خاتمه دادن به تفسیرها و قرائت‌های مختلف از قانون پارلمان در ایالات‌های مختلف کتاب «راهنمای»

خود را تألیف کرد. اما پا به پای شکل‌گیری و گسترش انواع انجمن‌ها و سازمان‌های انتخابی در ایالات متحده آمریکا بود که مجموعه‌ای از قواعد قانون پارلمان که برای اداره مجامع غیرقانون‌گذاری مناسب بودند، رواج پیدا کردند که به «قانون عرفی پارلمان» معروف شدند. و به ویژه با توجه به مهاجرات افراد غیرانگلیسی تبار به آمریکایی ضرورت مکتوب کردن این قواعد بیش از پیش احساس شد و به این ترتیب، کتاب‌های زیادی تألیف شدند که آن بخش از قواعد قانون عرفی پارلمان را که برای انجمن‌ها و شرکت‌ها مناسب می‌دانستند تشریح می‌کردند.

دستورنامه رابرت

جامع‌ترین و کامل‌ترین کتابی که مجموعه قواعد مورد نیاز انواع انجمن‌ها و سازمان‌های انتخابی را از قانون عرفی پارلمان استخراج و مکتوب کرده است کتابی است که با نام مؤلف آن گره خورده است: دستورنامه رابرت.

هنری مارتین رابرت نخستین ویرایش کتاب خود را در سال ۱۸۷۶ منتشر کرد. ویرایش دهم این کتاب نیز در سال ۲۰۰۰ و در ۸۰۰ صفحه منتشر شده است. ترجمه فارسی همین ویرایش است که به زودی در اختیار فارس زبان قرار می‌گیرد.

نگاهی اجمالی به دستورنامه رابرت

دستورنامه رابرت در ۲۰ فصل و در ۶۱ قسمت تدوین شده است.

● فصل اول کتاب، انواع مجامع مشورتی و قواعد ناظر بر آن‌ها را توصیف کرده است.

● فصل دوم کتاب در دویخس، مقررات و رویه‌های اساسی مجامع تصمیم‌گیری و طرح و رسیدگی به پیشنهادها را شرح داده است.

● در فصل سوم کتاب، مجموعه پیشنهاد‌های پارلمانی در ۵ دسته کلی مورد بررسی قرار گرفته است. این ۵ دسته عبارتند از: (۱) پیشنهاد اصلی، (۲) پیشنهاد‌های فرعی، (۳) پیشنهاد‌های فوریتی، (۴) پیشنهاد‌های ضمنی، و (۵) پیشنهاد‌هایی که یک موضوع را برای بار دوم در برابر مجمع قرار می‌دهند.

● فصل چهارم کتاب، تفاوت اجلاس با نشست را تشریح کرده است.

● فصل‌های پنجم تا دهم کتاب تمام پیشنهاد‌های پارلمانی را مورد بررسی قرار داده است. هر بخش از این فصول کتاب به یک پیشنهاد پارلمانی اختصاص داده شده است. ابتداء کارکرد پارلمانی پیشنهاد تشریح شده است. سپس هشت خصوصیت استاندارد آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. و در پایان هر قسمت قواعد خاص آن پیشنهاد بررسی شده است.

● نصاب، دستورکار، و مفاهیم وابسته، عنوان فصل یازدهم کتاب است.

● تخصیص صحن و مذاکره، رأی‌گیری، معرفی نامزدها، مسؤلان، صورتجلسه و گزارش مسؤلان، عنوان‌های فصل‌های یازدهم تا پانزدهم کتاب هستند.

● فصل هفدهم کتاب به نشست توده‌ای، و سازماندهی به یک سازمان دائمی اختصاص داده شده است. در بخش ۵۵ کتاب که در این فصل قرار دارد، قواعد ناظر بر ادغام، اتحاد و انحلال انجمن‌ها و سازمان‌ها تشریح شده است.

● آئین‌نامه موضوع فصل هیجدهم کتاب است و در فصل نوزدهم قواعد ناظر بر سازماندهی به کنوانسیون‌ها یا مجمع نمایندگان بررسی شده است.

● آخرین فصل کتاب نیز قواعد و رویه‌های رسیدگی به تخلف اعضاء سازمان‌های انتخابی را تشریح کرده است. گفتنی است حتی اگر عضوی خارج از مجمع یک سازمان نیز دست به رفتاری خلاف شؤنات انجمن بزند طبق قواعدی که در این بخش تشریح شده است، محاکمه و اخراج می‌شود. ● خلاصه قواعد ناظر بر ۸۶ پیشنهاد پارلمانی نیز ب در یک جدول ۳۰ صفحه‌ای در پایان کتاب ارایه شده است به نحوی که می‌توان با سرعت به قواعد ناظر بر هر پیشنهاد دست یافت.

دستورنامه به چه درد می‌خورد؟

دستورنامه رابرت یک خودآموز است که روش استاندارد ایجاد یک انجمن، شرکت، و یک سازمان دائمی را با دقت تشریح کرده است.

در حالیکه همه از نبود احزاب و سازمان‌های بزرگ و سراسری گله می‌کردند، کم‌تر کسی به صرافت این می‌افتاد که ساختن یک حزب فراگیر یا یک سازمان میلیون‌ها، به مراتب سخت‌تر از ساختن یک فرودگاه یا یک جاده است. دستورنامه رابرت دانش فنی ایجاد سازمان‌های واقعا دموکراتیک و سراسری را در اختیار ایرانیان قرار خواهد داد.

از این مهم‌تر اینکه، دستورنامه رابرت تمام قواعد و رویه‌های عام ناظر بر تمام فرایندهای پارلمانی را که برای انواع مجامع لازم است با دقت تعریف کرده است. در نتیجه، هر شرکت، حزب، سازمان و انجمن با تصویب این کتاب به عنوان مرجع پارلمانی خود در واقع انگار تمام قواعد مورد نیاز خود را مکتوب و تصویب کرده است. در عین حال، هر وقت که بخواهد می‌تواند دستورنامک‌های اختصاصی خود را تصویب کند و طبق آن‌ها عمل نماید.

اساسنامه/آئین‌نامه و دستورنامه

در خاتمه این بخش از نوشته باید به اجمال یادآوری کرد که «دستورنامه» عام‌ترین قواعد قانون عرفی پارلمان را تشریح می‌کند، در حالیکه اساسنامه یا آئین‌نامه، قواعد اختصاصی یک سازمان مشخص است و اعضای یک سازمان بدون آشنایی با قواعد دستورنامه رابرت در تدوین و تصویب اساسنامه خود دچار مشکلات فراوانی می‌شوند که پرداختن به آن‌ها خود بحثی مفصل و جداگانه است.

می‌رود میخ آهنی در سنگ؟

از یونان باستان تا امروز نظریه‌پردازی نظر داده‌اند که مردم خاورمیانه قادر نیستند طبق اصول و قواعد انتزاعی رفتار کنند. خود اهالی خاورمیانه فقط بعد از آشنایی با این قواعد است که به مرور در خواهند یافت انگار این نظریه پردازان زیاد هم بی‌ربط سخن نمی‌گویند.

مجمع عمومی یک انجمن را که با حضور صد نفر از اعضا به نصاب رسیده است تصور کنید که با رفتن یک عضو از نصاب می‌افتد و تصمیم‌هایش از آن لحظه به بعد غیرقانونی خواهد بود. آیا باورکردنش ممکن است که نود و نه نفر باقی مانده با قبول این قاعده انتزاعی ختم جلسه را اعلام کنند و به شهرستان‌های خودشان برگردند؟ به احتمال بسیار زیاد تمام نود و نه نفر ترجیح می‌دهند شکستن نصاب را - آن هم با رفتن فقط یک نفر - نادیده بگیرند تا به کارهای مهم مجمع برسند! و این یعنی رفتار در راستای منافع و نه در چارچوب قاعده انتزاعی، و یعنی: استبداد.

تک و توک افرادی که حوصله کرده‌اند و دستورنامه رابرت را خوانده‌اند اعتقاد دارند: نرود میخ آهنی در سنگ.

با این همه، فرایندهای جهانی سازی ساختارهای هزاران ساله را چنان در هم شکسته است که می‌شود امیدوار بود شاید میخ قانون سرانجام در سنگ استبداد فرو رود. با این مقدمه بسیار خوشبینانه است که در ادامه این بخش از آخرین نوشته این بسته نوشتاری، گزارش اجمالی کارهای صورت گرفته برای ترویج دستورنامه رابرت ارایه می‌شود.

تأسیس سازمان هم اندیشی عرف پارلمانی
اگر تلاش‌های جسته و گریخته اولیه نادیده گرفته شود، نخستین اقدام قابل تأمل برای آشنایی مقدماتی با دستورنامه رابرت برگزاری گروهی ده نفره از شخصیت‌های ملی است که در حال حاضر با نام موقت «سازمان هم اندیشی عرف پارلمانی» فعالیت می‌کند. این نشست‌ها در ابتداء در دبیرخانه انجمن شرکت‌های ساختمانی برگزار می‌شد و جا دارد همین جا از مسئولان این انجمن صمیمانه قدردانی شود.

هدف این گروه در مرحله اول این است که برای آشنایی با قواعد دستورنامه رابرت، به صورت آزمایشی یک انجمن را طبق قانون عرفی پارلمان تأسیس کند، و همزمان برای معرفی و ترویج دستورنامه رابرت تلاش کند.

معرفی دستورنامه رابرت

از جمله با تلاش اعضا گروه هم اندیشی عرف پارلمانی است که دستورنامه رابرت به حدود ۱۱۰ نفر از شخصیت‌های ملی در حوزه‌های مختلف اجتماعی معرفی شده است. به عنوان نمونه، با زحمات یکی از اعضای این گروه، کلیات دستورنامه رابرت به مسئولان ارشد انجمن‌های صنعت احداث معرفی شده است و تقریباً تمام آنان بر ضرورت آموزش این قواعد به اعضا انجمن‌های تحت مدیریت خودشان اذعان کرده‌اند اما تا کنون اقدام مشخصی در این زمینه صورت نگرفته است.

با همکاری یکی دیگر از اعضای گروه هم‌اندیشی، کلیات قانون عرفی پارلمان به رئیس شورای شهر تهران معرفی شده است و با همکاری ایشان، در دوره قبلی شورای شهر، یک کارگاه آموزش دستورنامه رابرت برای کارشناسان ستاد اجرایی شورایی‌های تهران سازماندهی شد و می‌توان گفت که کارشناسان این ستاد نخستین ایرانیانی هستند که دوره آموزش دستورنامه رابرت را با موفقیت نسبی گذرانده‌اند.

پیش‌فروش کتاب «دستورنامه رابرت»

واقعیت این است که کتاب دستورنامه رابرت به عنوان یک کتاب حقوقی، متن دیربایی است به همین دلیل و به رغم آنکه ناشر از انتشار چنین کتابی استقبال می‌کرد، اما برای تضمین بازگشت سرمایه‌گذاری اولیه لازم بود تعدادی از نسخ کتاب پیش فروش شود. در این زمینه، آقای مهندس عطاردیان - که عمر پر برکت خود را صرف تقویت انجمن‌ها کرده است و عمرشان دراز باد - ۱۰۰ نسخه از این کتاب را پیش خرید کرده‌اند. ۴۰۰ نسخه از این کتاب نیز از سوی مسئولان شورای شهر تهران خریداری شده است. مجوز نشر کتاب نیز صادر شده است و می‌توان امیدوار بود که متن کاغذی کتاب به زودی در اختیار علاقمندان قرار بگیرد و همزمان متن الکترونیکی آن نیز در وب سایت «کادرها دات کام» منتشر خواهد شد.

کارگاه‌های آموزش دستورنامه رابرت

در پی برگزاری دو کارگاه آموزشی دستورنامه رابرت، دفتر «کارگاه‌های آموزش

دستورنامه رابرت» (کادرها) برای برگزاری این کارگاه‌ها تجهیز شد و اکنون به طور همزمان کارگاه‌های دیگری در این دفتر فعالیت دارند که اعضای یکی از آنها را تعدادی از معلمان تهران تشکیل می‌دهند. این معلمان که به شکل تحسین برانگیزی اهمیت این قواعد را دریافته‌اند آستین همت بالا زده‌اند تا با معرفی دستورنامه رابرت به مسئولان ارشد وزارت آموزش و پرورش نسبت به ترویج و معرفی این قواعد به دانش آموزان تلاش کنند. جا دارد در همین جا از این شخصیت‌های فرهنگی فرهیخته صمیمانه قدردانی شود.

راه‌اندازی وب‌گاه «کادرها دات کام»، انتشار خبرنامه الکترونیکی «کادرها» و نشریه آموزشی «دستورنامک» و برنامه ریزی برای ترجمه کتاب‌هایی که در معرفی و تفسیر کتاب «دستورنامه رابرت» به زبان انگلیسی نوشته شده است، برخی از فعالیت‌های دفتر کادرها در این مدت بوده است.

تک و توک افرادی که حوصله کرده‌اند و دستورنامه رابرت را خوانده‌اند اعتقاد دارند: نرود میخ آهنی در سنگ.

کادرها در خدمت شرکت‌ها و انجمن‌ها

هرچند کتاب دستورنامه رابرت یک کتاب خود آموز است و هرکس با خواندن آن با قواعد استاندارد اداره مجامع و سازمان‌های عضویتی آشنا خواهد شد، اما بازی پارلمانی یک بازی گروهی است و این قواعد باید در یک گروه تمرین شود. به همین خاطر، دو روش برای آموزش و تمرین این قواعد قابل تصور است:

۱. رئیس‌ان جلسات و مجامع در یک کارگاه آموزشی شرکت کنند و بعداً و در جریان اداره مجامع تحت ریاست خود، این قواعد را به مرور به سایر اعضا یاد بدهند.
۲. یک مربی پارلمانی در جلسات علنی نشست‌های هیأت مدیره‌ها و مجامع حاضر شود و در جریان عمل پارلمانی قواعد استاندارد را به اعضا حاضر آموزش داده و اعضا را تمرین دهد.

تجربه کارگاه آموزش دستورنامه رابرت نشان می‌دهد که بسته اولیه قواعد مورد نیاز برای اداره مجامع را می‌توان در ده جلسه به افراد علاقمند آموزش داد.

مجری:

کارگاه‌های آموزش دستورنامه رابرت (کادرها)

تلفن: ۸۸۹۱۱۰۱۷ و ۸۸۹۱۸۳۱۵

وب‌گاه: kadrha.com

نویسنده: داود حسین